گفت‌وگو با یک کارشناس دینی درباره خالکوبی و تتو

حرام است

اگر امروز از تتو حرف می‌زنیم، شاید به‌نظر تکراری و کمی دیر باشد، چراکه جامعه از این پدیده چنان انباشته شده که دیگر نمی‌توان یک طبقه یا گروه خاصی را از طالبان و علاقه‌مندان تتو به حساب آورد منتها برخی تتوها که بر تن هنرمندان و ورزشکاران حک شده‌اند، به دلیل برخی سوءاستفاده‌های سیاسی و صنفی، به کانون توجه رسانه‌ها بدل شده‌اند. دراین‌میان این سؤال برایمان پیش آمد که آیا تتو حرام است و اگر حرام است، برخورد شرع با خالکوبی‌های قدیمی در نسل‌های پیشین چه بوده است. از سوی دیگر، این سؤال که جامعه تا چه حد با موارد شرعی تتو و خالکوبی آشناست، هم یکی دیگر از محورهایی است که باید آن را در گفت‌وگو با یک کارشناس مذهبی به بررسی می‌نشستیم. حجت‌الاسلام محمد فراهانی، کارشناس مذهبی، در گفت‌وگو با «شرق» ضمن پاسخ به این سؤالات، نگرانی خود را از گسترش این پدیده و پدیده‌هایی این‌چنینی بیان کرده است:

آیا شرع مقدس اسلام به طور مشخص حکمی درباره تتو و خالکوبی دارد و آیا انجام این عمل حرام است؟

اگر به پدیده تتو یا خالکوبی توجه کنیم، اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد این است که در قدیم بعضی مردها روی بدن‌شان خالکوبی می‌کردند و حتی امروز هم گاهی خانم‌ها به‌عنوان زینت یا وسیله‌ای که موجب آرایش صورت‌شان می‌شود، تتو یا همان خالکوبی انجام می‌دهند. شایع‌شدن چنین پدیده‌ای لزوم بررسی شرعی و فرهنگی آن را روشن‌تر می‌کند. در حوزه نگاه شرعی، هر چیزی که به خودی‌خود، ضرر قابل توجه و آسیب‌رسان باشد، بابت ضرری که به فرد وارد می‌کند، حرام شده، بنابراین تتو به دلیل رنگدانه‌های شیمیایی‌ای که به زیر پوست تزریق می‌کنند اگر به سلامتی فرد آسیب وارد کند، حرام است. اما ممکن است فردی بگوید من بررسی کرده‌ام و شیوه اعمال تتو، رنگدانه‌های شیمیایی و نحوه انجام خالکوبی، مشکلی نداشته و آن‌وقت تکلیف چیست؟ در اینجا باید به ماهیت تتو و درواقع شکل یا کلماتی که توسط خالکوبی روی بدن فرد نقش می‌بندد، مراجعه کرد. اگر نمادها و نشانه‌هایی که روی پوست تتو می‌شوند، نمادهای شیطان‌پرستی، موهن و ترویج افکار شیطانی یا ترویج فرهنگ غرب است، بنابراین از جهت ترویج این نماد، فعل موردنظر حرام خواهد بود.

اما بسیاری از خالکوبی‌ها به دلیل جایی که روی پوست قرار گرفته‌اند و عموما دیده نمی‌شوند، نمی‌توانند درواقع مروج فرهنگ بیگانه و مضمون غرب باشند، آیا باز هم با تتو آنها در نقطه‌ای که دیده نمی‌شود، مرتکب عمل خلاف شرع شده‌ایم؟

اگر از نوع حرام باشد در صورت پنهان‌بودن باز حرام است، زیرا همراه‌داشتن نماد باطل مطلقا حرام است چه خانم یا مرد. اما اگر ضرر قابل‌توجه ندارد و نماد باطلی هم نیست، در این صورت خانم‌ها به دلیل زینت‌بودن باید بپوشانند و مردها هم مناسب است بپوشانند چون از لحاظ فرهنگی مناسب نیست.

بسیاری از خالکوبی‌ها و تتوها حاوی پیامی غیراخلاقی نیستند و مثلا حتی از کلمات متبرکی مانند نام ائمه‌اطهار (ع) یا واژه‌هایی چون «خدا»، «مادر» و... استفاده می‌کنند، آیا در این موارد هم خالکوبی مشکل شرعی دارد؟

بله، ممکن است شخص بگوید خالکوبی‌ای که من کرده‌ام از روی انحراف و ترویج انحراف نیست، مثلا می‌نویسند «مادر». خب خودِ کلمه مادر ترویج و اشاعه هیچ گروه و مکتبی نیست، منحرف‌کننده و تحریک‌کننده هم نیست، آفتی هم برای سلامتی فرد ندارد، بنابراین از این جهت کارشان حرام نیست. اما اگر از نظر عرف و فضای عمومی جامعه کار آنها هنجارشکنی باشد، باز مناسب نیست.

درباره نام ائمه‌اطهار و به‌ویژه نام مبارک حضرت علی(ع) هم باز وضع به همین منوال است؟

درباره نام مبارک اهل‌بیت و هر کلمه مقدس دیگر، بی‌وضو دست‌زدن به این نام‌ها حرام است و اشکال دارد. بنابراین وقتی که این نام‌ها خالکوبی شوند، فعل فرد، حرام یا خلاف احتیاط خواهد بود، چون در شرایطی، مثلا در دست‌شویی، بی‌وضو این نام‌ها لمس می‌شوند.

بااین‌حساب، شرع در مواردی که فرد در کودکی روی پوستش خالکوبی کرده و اکنون به حرام‌بودن آن اطلاع یافته، چه نگاهی دارد؟ مثلا چند سال پیش یکی از بازیکنان تیم ملی فوتبال کشور که کودکی خود را در آلمان گذرانده بود، به دلیل تتوهایی که آن زمان روی پوستش انجام شده بود، از سوی کمیته انضباطی فوتبال فراخوانده شد. شرع در چنین مواردی چه راهکاری پیش‌پای فرد قرار می‌دهد؟

اگر خالکوبی فرد از نوع حرام باشد، یعنی مظهر افکار و کلمات مبتذل باشد، باید هرچه زودتر به متخصصان مراجعه کند و با عمل زیبایی آن را از بین ببرد به عبارت دیگر، باید در صورت وجود راه‌حلی برای پاک‌کردن آن خالکوبی، هرچه سریع‌تر آن را پاک کند تا زمینه ترویج انحراف تا حد امکان از بین برود اما اگر امکان زدودن آن از روی پوست فراهم نبود، واجب است آن خالکوبی را از انظار بپوشاند و سعی کند کسی آن را روی پوست او نبیند.

به نظر شما وقتی که چنین احکام جدی و دقیقی در حوزه موضوعی کوچک مانند تتو وجود دارد، چرا این احکام در جامعه رعایت نمی‌شود یا به عبارت بهتر، فکر می‌کنید چرا دستگاهی در این زمینه متولی نیست که بشود به خاطر شایع‌شدن این پدیده، از این دستگاه توقع پاسخ‌گویی داشت؟

واقعیت این است که من مایل به پاسخ‌گویی در حوزه احکام شرعی هستم و بررسی دلایل ضعف سازمان‌ها و نهادهایی که مسئول مسائل فرهنگی جامعه هستند، از حیطه نگاه من بیرون است، اما به‌عنوان کسی که مایل به بررسی فعالیت‌های فرهنگی در جامعه هستم، باید بگویم مسائل فراوانی از این دست وجود دارد که هیچ تشکیلات پاسخ‌گویی در قبال آنها نیست. مسئله بدحجابی، امروز در جامعه به‌قدری نمایان شده که بسیاری بدون رعایت‌کردن مقدار واجب پوشش، در جامعه حاضر می‌شوند یا برخی دیگر از محرمات مسلم دیگر که در عیان انجام می‌شوند و نهادی خود را مسئول برخورد با آن نمی‌داند. این ضعف نهادها و مسئولان اجرای قانون در این زمینه است و باید آنها پاسخ‌گو باشند که چرا روبه‌روی چنین هنجارشکنی‌های عیانی هیچ نیروی مقاومت‌کننده‌ای وجود ندارد و اجازه می‌دهند گروهی از قوانین عمدا یا سهوا تمرد کنند. در این زمینه باید آگاهی‌رسانی شود.

به مسئله خوبی اشاره کردید، فکر نمی‌کنید برای مثال همین شایع‌شدن مسئله تتو، نشانه‌ای از این باشد که جامعه نسبت به حرام‌بودن این فعل، بی‌اطلاع است؟ اصلا آیا معیاری در این زمینه داریم که دریابیم چه کسی آگاهانه و چه کسی ناآگاهانه به سمت خالکوبی می‌رود؟ و آیا نباید بین این دو گروه تفاوتی قائل شد؟

در این زمینه خط‌کشی برای بررسی نمی‌توان گذاشت! الان در فضایی قرار گرفته‌ایم که گروه‌های مثبت و منفی، در حال عرضه تفکر و کالای خود در جامعه هستند. پا که در کوچه و خیابان می‌گذارید، می‌بینید راه‌های یادگیری فراوان شده، کتاب هست، سایت هست، مراکز فرهنگی هستند و همه اینها در دسترس‌اند، شما اگر بخواهید می‌توانید اطلاعات موردنیاز خودتان را از همین مجاری پیدا کنید.

از آن‌سو، تبلیغ سوء دشمن هم هست، هر دو این گروه‌ها دارند کالای فکری و عقیدتی خود را عرضه می‌کنند و این فرد است که خودش باید انتخاب کند چه می‌خواهد و در جست‌وجوی چیست. در چنین جامعه‌ای، دیگر نمی‌توان گفت کسی نمی‌داند تتو حرام است. به‌همین‌دلیل است که در شرایط کنونی من نمی‌دانم بی‌اطلاعی از برخی مسائل دینی چه معنایی دارد، البته قبول دارم گاهی با افرادی مواجه می‌شویم که ناآگاهند اما به‌طورکلی خط‌کش‌گذاشتن در این زمینه سخت است، اگرچه فکر می‌کنم مشکل اینجاست که این افراد نمی‌خواهند بدانند، حتی اگر با آگاهی هم مواجه شوند، اهل تدبر و تفکر نیستند. جامعه امروز ما آن‌قدر تحت‌تأثیر ماهواره، بعضی سایت‌ها و صداوسیما (برنامه‌های غیرعلمی-آموزشی) و برنامه‌های جذاب دنیای مجازی واقع شده، که فضای ذهن جوانان را انباشته و کمترکسی به سوی افکار عمیق جلب می‌شود. درواقع ذائقه‌ها عوض شده است.

دراین‌میان فکر می‌کنم نمادهای مذهبی نیز بعضا مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، خالکوبی نام ائمه فقط یکی از این موارد است، مثلا امروز انگشترهایی با نام خدا و از جنس طلا فروخته می‌شود؛ به طور کلی چنین رفتاری را با نشانه‌های دینی چطور می‌بینید؟

به شکل طبیعی از قدیم این‌طور بوده که شیاطین هر گاه خواسته‌اند دسیسه کنند، به سوی مذهب رفته‌اند. همیشه انحراف از مذهب شروع می‌شود و شیطان، مذهب حق را ابزاری برای انحراف می‌کند و این کار را با تحریف معنوی انجام می‌دهد. اگر امروز می‌بینیم تهاجم نظامی را شیطان کنار گذاشته و رو به تهاجم فرهنگی آورده، درست به‌همین‌دلیل است. در چنین شرایطی، اعتقاد خود مردم مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد تا کالای فرهنگی شیطان به خورد مردم داده شود. شیطان می‌بیند در مذهب ما، انگشتر به‌دست‌کردن، فعل خوبی است، انگشتر را از طلا می‌کنند تا همین فعلِ نکو به گناه بدل شود. ارادت ما ایرانی‌ها به اهل‌بیت نیاز به اثبات ندارد، اما از همین ارادت سوءاستفاده می‌شود و نام متبرک آنها را روی پوست خالکوبی می‌کنند تا دو گناه توأمان را انجام دهیم. وقتی توانستیم آدم‌ها را از فکرکردن، تعمق و تفکر دور کنیم، آن زمان است که می‌توانیم هر طور خواستیم با آنها رفتار کنیم.

مورد خطاب شما بیشتر نسل جوان هستند؟

طبیعتا. درست است که تحصیلات دانشگاهی افزایش پیدا کرده اما این آموزش، محتوایی نیست. حتی مطالب روزانه هم که در جامعه جریان دارد، از جنس علوم تجربی است تا بیشتر تفکر عمیق علوم انسانی. در چنین شرایطی است که تهاجم فرهنگی با سلاح سوءاستفاده از مذهب وارد می‌شود و شما به‌ناگاه انگشتری با اسم خدا و از جنس طلا را در دست جوان مسلمانی می‌بینید.

شعر مولانا بر تن برد پیت

شرق: برای سوپراستارها، پوست تنشان یک‌جور ویترین است، درست همان کاری را که لباس انجام می‌دهد، آنها با تتو روی پوستشان انجام می‌دهند؛ نوعی بیان اعتقاد به آرمان‌ها و اندیشه‌ها یا عضویت در مسلک و مرامی خاص یا حتی پیشینه تاریخی و فرهنگی زادگاهشان. علاقه سوپراستارهای دنیای سینما، ورزش و موسیقی به تتو در چندسال اخیر به حدی جدی شده که دیگر نشانی از اعتقادات گروه‌های تندرو و انجمن‌های سری در آنها دیده نمی‌شود؛ آنها خالکوبی می‌کنند صرفا به این خاطر که بتوانند خوراک بهتر و جنجالی‌تری برای رسانه‌های تصویری بسازند، خود را عیان کنند و به دنیا بگویند که این تتو آنها را متفاوت کرده است.

ادل و نام خودش

در میان ستاره‌های موزیک دنیا، ادل، تتوی کوچکی روی گردنش دارد؛ A، حرف اول نامش را روی تن خود به یادگار گذاشته و عجیب اینجاست که جای تقریبا پنهان‌شده‌ای را برای این خالکوبی انتخاب کرده است حال آنکه مردم عادت کرده‌اند روی نقاط پیدای تن موزیسین‌های دنیا، پر از نقش‌ونگار باشد. در دنیای موسیقی، خوانندگان راک و راک‌اندرول، اولین آغازگران تتو بودند اما امروز حتی خوانندگان پاپ جوانی که سودای شهرت دارند نیز از خیرِ تتو نمی‌گذرند. سنت آمریکایی تتو، در دهه ۶۰ آمریکا یک حرکت ریاضت‌کشانه برای نشان‌دادن سختی‌های آواز در کافه‌ها و بارها بود اما امروز، خوانندگان آمریکایی نوظهور با تتوهای کوتاه‌مدت و احیانا برچسبی، فقط به‌دنبال نمایش آن ریاضت هستند بدون آنکه سختی تتو را بر تن خود تحمیل کرده باشند.

بکام و خالکوبی‌هایش

در بین فوتبالیست‌های دنیا، تتو خیلی جدی است، اصلا انگار آماده‌اند، گلی به دروازه وارد کنند یا تیمشان برنده شود تا پیراهن از تن بکنند و نقش‌ونگارهای روی بدنشان را خوراک دوربین‌ها و تصویرها کنند. در میان همه فوتبالیست‌ها، گران‌ترین تتوها را دیوید بکام دارد، به ریال اگر بخواهیم حساب کنیم، کل تتوهای بدن او از صدمیلیون تومان هم بیشتر می‌شود. اما خالکوبی فوتبالیست‌ها از جنجالی‌ترین خالکوبی‌های دنیاست، چراکه آنها عموما می‌توانند در صحنه‌های ورزشی، از آنها استفاده‌ای نمایشی کنند. زلاتان ابراهیموویچ، کوین پرینس بواتنگ، دانیل اگر، دنیل دی روسی، لیونل مسی، فرانچسکو توتی، استفان آیرلند، وسلی اشنایدر و رائول مریلز در میان فوتبال‌دوستان جهان با تتوهایشان شناخته می‌شوند و عکس‌های نیمه‌برهنه‌ای که از خود گرفته‌اند و در قالب پوستر راهی خانه هوادارانشان کرده‌اند. تابه حال از سوی نهادهای رسمی فوتبال دنیا، هیچ واکنشی به این بدن‌های پرنقش‌ونگار نشده و همین موضوع، فوتبالیست‌ها را به کلکسیونی از تتوها بدل کرده است.

بردپیت و مولانا

سینما، کمی درباره تتوی هنرپیشه‌هایش سختگیر است چراکه هر بازیگر باید بتواند در هر نقشی، یک وجود منحصربه‌فرد باشد. تکرار تتوهای احتمالی بدن بازیگر در صحنه‌های فیلم‌های متفاوت، کار بازیگر و گروه ساخت فیلم را دچار مشکل می‌کند. به همین خاطر است که بازیگران معمولا تتوهای کوچکی دارند در نقاط پوشیده تنشان که تا حد امکان قابل‌رؤیت نیست. دراین‌میان اما برد پیت و جانی دپ، مردهای تتوی دنیای سینما هستند. جانی دپ، بازیگر مطرح سینمای دنیا، شمایل پرنده، خورشید و کلمه جک را روی دست راستش خالکوبی کرده و برد پیت یک شعر از مولانا با این مضمون: «آنجا دشتی است، فراتر از همه تصورات راست و چپ. تو را آنجا خواهم دید». بعدها که عکس خالکوبی برد پیت به خبر جنجالی بسیاری از خبرگزاری‌های دنیا بدل شد، در ایران کزازی، رباعی‌ای از مولانا را مطرح کرد که احتمالا ترجمه انگلیسی آن روی دست پیت خالکوبی شده است: «از کفر و ز اسلام برون صحرائیست/ ما را به میان آن فضا سودائیست/ عارف چو بدان رسید سر را بنهد/ نه کفر و نه اسلام و نه آنجا جائیست».

آموزش تتو، جلسه‌ای ۲۵۰۰۰۰۰ تومان!

یک اتاق سفید و کوچک در پیلوت یک آپارتمان واقع در محله چیذر، انتظارمان را می‌کشد. چون وقت قبلی گرفته‌ایم، راحت داخل می‌شویم و داوود از ما استقبال می‌کند. او چند سال است که دیگر مراجعه‌کننده تتو نمی‌پذیرد و به جای آن برای تأمین مخارج زندگی‌اش، تتو را به آرایشگران تازه‌کار می‌آموزد. هر جلسه در یک روز کاری کامل- حدودا هشت تا ۱۲ ساعت- برگزار می‌شود و قیمت آن دومیلیون و ۵۰۰هزار تومان است. با این حساب، داوود اگر فقط ماهی ۱۵ روز آموزش تتو بدهد، چیزی حدود ۳۷میلیون و ۵۰۰هزار تومان درآمد دارد. اینجا نه خبری از مجوز هست و نه نیازی به آن. داوود بخشی از این آپارتمان نیمه‌اداری را اجاره کرده و مراجعانش آن‌قدر کم‌تعداد هستند و خودش آن‌قدر اخلاق خوبی دارد که می‌گوید تا به حال به مشکلی برنخورده: «تازه اگه مشکلی هم پیش بیاد، می‌شه با یه تتوی مختصر روی دست پسر مدیر ساختمون مشکل رو حل کرد، البته تا به حال هیچ اعتراضی نبوده». اغلب مشتری‌های داوود با سلام و صلوات و کلی معرفی، این فرصت را پیدا می‌کنند که اینجا، روش‌های طراحی روی پوست، تتو و تتوی سه‌بعدی را بیاموزند. جوهرها در گوشه‌ای قرار گرفته و تختی متحرک که بی‌شباهت به صندلی دندان‌پزشکان نیست، آماده است تا فرد روی آن دراز بکشد و داوود با اجرای تتو روی تن او، عملا روش‌ها و قلق‌های کار را بیاموزد: «تتو در ایران تازه است، همه دوست دارن انجام بدن. خانم‌های آرایشگر فکر می‌کنن تتوی شکل‌ها و جمله‌ها روی پوست شبیه همان تتوی ابرو است، برای همین هم از جوهر بد استفاده می‌کنن و هم دستشون می‌لرزه و نتیجه واقعا بد می‌شه. من اینجا به اونها یاد می‌دم که چطور تمرکز کنن، به واکنش‌های فرد توجهی نداشته باشن و چطور براساس شکل و طرح، جوهر خوب را انتخاب کنن». داوود، تنها فردی نیست که در تهران آموزش تتو می‌دهد؛ با این همه، مشتری‌هایش حتی از شهرستان‌های دور می‌آیند، به این امید که با یادگرفتن این کار، درآمد تازه‌ای به دست آورند: «یک تتو از ۲۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و گاهی حتی چند میلیون پولش می‌شود، پس من زیاد نمی‌گیرم، اصول اولیه را یاد می‌دهم و جنس‌های خوب را معرفی می‌کنم، باقی با خود کارآموز است که چطور روی مانکن این کار را تمرین کند تا حدی که دستش راه بیفتد و با جسارت تفنگی را بگیرد سمت پوست فرد». معلوم نیست در کار تتو، معروفیت خوب است یا بد، اما همه در تهران «موری‌تتو» را می‌شناسند، جوانی که در این سال‌ها خیلی گل کرده و پای ثابت آدم‌های مشهوری چون تتلو و دیگر خوانندگان زیرزمینی پاپ است: «من ترجیح می‌دم که حتی کسی اسمم رو هم ندونه، برای همین این اسم رو انتخاب کردم. شهرت خوب نیست برای کار ما، بیشتر کیفیت مهمه، یعنی اینکه این کارآموز به کارآموز بعدی بگه فلانی کارش خوب بود و او برای آموزش بیاد پیش من». اما چرا این همه پنهان‌کاری؟ چون خود آموزش‌دهندگان تتو هم می‌دانند که در صورت لورفتن مکانشان، قطعا مورد تعقیب قضائی قرار خواهند گرفت یا در نهایت اداره اماکن به آنها گیر خواهد داد: «همین موری، الان بدون واسطه و آشنا، نفر قبول نمی‌کنه. باید کلی سفارش بشه بهش تا شما بری و یک خالکوبی روی دست و پات بکنه». شهرت اما برای موری خیلی خوب تمام شده، او برای هر تتوی ناقابل، میلیون‌ها تومان پول می‌گیرد، سابقه کارش باعث شده که دستش تروفرز شود و طرح‌های سه‌بعدی را بهتر از بقیه اجرا کند. هشت ساعت بعد، کارآموز تقریبا فوت‌وفن‌های لازم کار را از داوود آموخته و وقت تسویه‌حساب است. دستگاه پز را می‌آورد و او کارت می‌کشد، جای تخفیف هم نیست، فقط داوود به‌عنوان اشانتیون، چند ماکت و مجله، شابلون و کمی جوهر مرغوب به او می‌دهد به همراه کارت ویزیت فروشندگان این محصولات در بازار بزرگ. این پایان کار داوود نیست اما، حالا وقت آن است که برود کمی بنشیند و بعد از هشت ساعت ایستادن سر پا، گلویی تازه کند. کارآموز هم خوشحال از اتاق و ساختمان بیرون می‌آید، می‌داند که در آینده پولی هنگفت از آنچه امروز آموخته، درخواهد آورد.

یک تجربه

تتوهای جنجالی سوپراستارهای ایرانی

از نام‌های فاش‌شده هنرمندان و ورزشکارانی که تتو دارند، خیلی‌ها را به‌خوبی می‌شناسید اما اشکان دژآگه را محال است که فراموش کنید. او که سال‌های نوجوانی را در خارج از ایران گذرانده بود، تتش را پر از نقش‌ونگار به تیم ملی فوتبال ایران آورد اما در کمال تعجب وقتی که عکسی از خالکوبی‌های بدنش، این‌طرف و آن‌طرف منتشر شد، با برخورد فدراسیون فوتبال روبه‌رو شد؛ برخوردی سخت و در حد اخراج او. کار اما به همین‌جا ختم نشد و او توانست به مدد اخبار ریزودرشتی که از سوتی‌های فوتبالی منتشر می‌شود، تتوهایش را به فراموشی بسپارد اما خبر تتو نمی‌خواست محو شود. کمی بعد از او، بازیگران ایرانی که عکس‌هایشان را در شبکه‌های اجتماعی گذاشته بودند، دیدند که برخی از کاربران با انگیزه‌های عجیب‌وغریب و متفاوت، این عکس‌ها را بزرگ‌نمایی کرده تا نشان دهند که هر بازیگری روی دست و بدنش، چه شکل‌وشمایلی را خالکوبی کرده است.

در خارج از ایران، این کار را خبرنگاران سوپراستارها یا پاپاراتزی‌ها انجام می‌دهند تا بازدیدکننده اخبارشان را زیاد کنند، در ایران اما وضع برعکس است، چنین عکسی می‌تواند بهانه‌ای باشد برای بایکوت‌کردن یک هنرمند یا بازیگر و ممانعت از ورود او به

پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی دولتی یا شبه‌دولتی.

تنور این اخبار اما همچنان داغ است، امروز با ترانه علیدوستی، دیروز با بهاره رهنما و قبل‌تر از آن با آنا نعمتی. فرقی هم نمی‌کند که این بازیگران، چطور عکس بگیرند و در شبکه‌های مجازی بگذارند، کافی است فقط کمی آستینشان یا پاچه شلوارشان کم و زیاد شود تا سیل کامنت‌های اسفناک یا هم‌دردانه، صفحه اختصاصی آنها را احاطه کند.

بهاره رهنما آن روزی که عکسش را همراه پدرش در صفحه شخصی خود منتشر کرد، شاید حتی باورش نمی‌شد که کاربران، خالکوبی روی دستش را آن‌قدر درشت‌نمایی کنند تا همه‌جا این موضوع را جار بزنند. اندکی بعد، آنا نعمتی هم که تازه عکسی منتشر کرده بود، همین واکنش را دید و حالا تمام این حرف‌ها ختم شده است به ترانه علیدوستی و احتمالا این تنور هرروز با انتشار عکس پرحاشیه‌ای داغ می‌ماند.

اما روشن‌شدن تکلیف تتو در جامعه هنری، نباید این‌قدر سخت باشد. اگر قرار است چیزی مجاز نباشد، باید به طور رسمی اعلام شود و جزئیات دقیق آن به اطلاع همه برسد و اگر قرار است با آن به دیده اغماض برخورد کنند، نباید انتشار عکس‌هایی از این دست بهانه‌ای برای استفاده برخی سودجویان شود. مثال روشنش را می‌شود در فوتبال هم دید؛ برخورد قاطع با ورزشکارانی که خالکوبی داشتند، حالا باعث شده که ورزشکاران جدید لااقل در قسمت‌های باز تنشان خالکوبی نکنند و اگر این اتفاق در مورد اهالی سینما هم بیفتد، از یک تتوی ساده، هزاران برداشت سیاسی درست و نادرست نمی‌شود.

نگاه

گفت‌وگو با امان‌الله قرایی‌مقدم درباره ریشه‌های خالکوبی در ایران کهن و امروز:

خالکوبی می‌کنند که اعتراض کنند!

شرق: پهلوان‌های قدیم روی بازوهایشان خالکوبی داشتند، زنان در دوره‌های پیشین، از خالکوبی برای آرایش و زینت صورت یا نشانه‌ای دال بر ریشه‌های عشیره‌ای خود استفاده می‌کردند و اینها تازه نمونه‌های کوچکی است از آنچه در دنیا و در پیشینه خالکوبی اتفاق افتاده است. آیا می‌توان این رسم قدیمی را به خاطر نوع پیشرفت و گسترش آن، منحرف و مضموم دانست؟ آیا می‌توان این آیین تاریخی را از گذشته ایران پاک کرد؟ و از سوی دیگر آیا می توان جامعه را در مواجهه با این مسئله، آموزش ندیده رها کرد؟ اگر پاسخ این سؤال‌ها منفی است، چرا هنوز جامعه نتوانسته جوانانی را که خالکوبی می‌کنند، بپذیرد؟ آیا از محتوای پیام این خالکوبی‌ها هراسی وجود دارد؟ امان‌الله قرایی‌مقدم، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، معتقد است در خالکوبی‌ها، پیام اعتراض یک نسل نهفته است:

آیا می‌توان برای خالکوبی، ریشه‌ای تاریخی در ایران متصور شد؟

بر پیشانی و دست‌های زنان عشایر ایران، سال‌هاست که خالکوبی وجود داشته و دارد. این موضوع تازه‌ای نیست و ریشه در فرهنگ ما دارد و اگر نگاهی به داستان‌های کهن فارسی هم کنیم، درمی‌یابیم در قدیم نیز، رسم خالکوبی بین گروه‌های مختلف وجود داشته. برای مثال مولوی در داستان قزوینی‌ها به خالکوبی با اصطلاح «کبودی زن» اشاره می‌کند و می‌گوید: « این حکایت بشنو از صاحب بیان / در طریق و عادت قزوینیان/ بر تن و دست و کتف‌ها بی‌گزند / از سر سوزن کبودی‌ها زنند/ سوی دلاکی بشد قزوینیی /که کبودم زن بکن شیرینیی/ گفت چه صورت زنم ای پهلوان / گفت بر زن صورت شیر ژیان». بنابراین فرهنگ خالکوبی با عنوان «کبودی زن» حداقل ۷۰۰ سال پیش در ایران قدمت دارد و جزء رسوم ایرانی‌ها بوده که نمونه‌های آن را در آیین پهلوانی هم می‌بینیم.

از خالکوبی چه استفاده‌هایی می‌شده؟

این خالکوبی‌ها معمولا نشان قبیله و خاندان بوده‌اند. در ایلات و عشایر ما، زنان بر پیشانی خود خالکوبی می‌کرده‌اند که هر کدام از آنها نشانه‌هایی معنادار بوده، همچنین گزارش‌هایی درباره خالکوبی بالای لب هم در زنان داریم که آن نیز ریشه در تاریخ ما دارد. البته نباید گفت فقط ما ایرانی‌ها به این سنت توجه نشان داده‌ایم، بلکه از دیدگاه مردم‌شناسی، سرخپوست‌ها، ایرانی‌های آسیایی‌تبار و حتی مسلمانان هم خالکوبی داشته‌اند.

اما آنچه امروز بر بدن جوانان نقش می‌بندد، یک خالکوبی ساده نیست، پر است از المان‌ها و نشانه‌هایی که گاه دانسته و گاه ندانسته حامل پیامی هستند. این نشانه‌های خالکوبی‌شده از کجا به فرهنگ ما اضافه شده است؟

بعد از انقلاب صنعتی ما شاهد انقلاب رسانه‌ای هستیم؛ انقلابی که در آن پیام‌ها گسترده‌تر شده و به‌اصطلاح «دیفیوژن» یا اشاعه‌گرایی اتفاق می‌افتد. اگر تا پیش از انقلاب صنعتی،

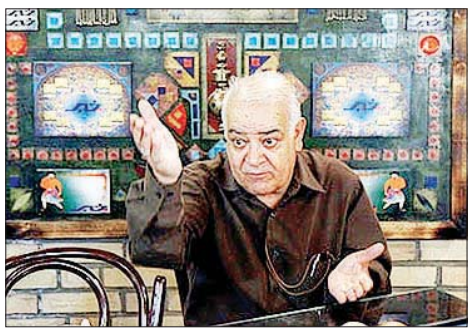

می‌گفتند هر بخش از تمدن بشری، زادگاهی دارد و مثلا خط از سومر و چتر از آسیای جنوب شرقی شیوع پیدا کرده، حال و در دنیای پساانقلاب رسانه‌ای هم، این اشاعه‌گرایی باعث شده که بسیاری چیزها همچون تتو و خالکوبی از کشورهای غرب بیاید و جوانان ایرانی با تقلید یا تلقین، پذیرای آن باشند. می‌خواهم اینجا تفکیکی میان تلقین‌پذیری و تقلید قائل شوم، چراکه اولی ناآگاهانه است و دومی آگاهانه. گسترش بی‌بندوبار استفاده از خالکوبی هم تحت‌تأثیر همین تلقین‌پذیری بوده به‌طوری‌که افراد مرجع در هر جای جهان که باشند، به وسیله رسانه‌ها، پیام و شیوه رفتار خود را منتشر می‌کنند و این سوی جهان، جوان ایرانی آن را می‌پذیرد. این فروریختگی فرهنگی با گسترش رسانه‌ها به وجود آمده تا جایی که دیگر امروز جهان، آن جهان قدیم نیست، دهکده‌ای کوچک است که همه تحت‌تأثیر هم قرار می‌گیرند و با احساس هم‌نوایی و هم‌رنگی، به سمت الگوهایی می‌روند که در اختیار رسانه‌های قدرتمند هستند.

چه الگوهایی؟ و این الگوها تا چه حد مسیر خالکوبی را در ایران تغییر داده؟

مگر خالکوبی‌هایی که امروز تا این حد کتف و بازو و گردن جوانان ما را پوشانده، از کجا می‌آید؟ از مسی و رونالدو! این بازیکنان فوتبال کجا پرورش یافته و بزرگ شده‌اند؟ آنها فرزندان طبقات فرودست جوامع خود بوده‌اند که حالا الگوی جوانان ما می‌شوند. در این مسیر، کسانی که معنویات و معارف سنتی و آشنایی با تاریخچه هویتی فرهنگ‌شان کم‌رنگ شده، به سمت زیر ابروبرداشتن، خالکوبی‌های شدید و... که الگوهایش آن طرف است، می‌روند در بین فوتبالیست‌های خودمان هم از این نمونه‌ها کم نداریم و اگر بیان نمی‌شود، حتما علت دارد.

اتفاقا این هم موضوع مهمی است، چرا خالکوبی؟ در عصری که دیگر خالکوبی قرار نیست هویت قبیله‌ای یا فرهنگی ما را نشان دهد، چرا برخی هنرمندان و افرادی که از نظر سطح دانش و آگاهی جایگاه خوبی دارند، از خالکوبی استفاده می‌کنند؟

باید این‌طور بگویم جوانان با پوشش و آرایش و خالکوبی خودشان، فریاد می‌زنند؛ این یک نوع دهن‌کجی هم هست. اگر این کار را نکنند، چه‌کار کنند؟ چطور اعتراض خودشان را نشان دهند؟ در این خالکوبی‌ها، یک پیام وجود دارد؛ پیام اعتراض. اگر آنها را ولنگار به حساب بیاوریم هم باز شرایط فرقی نمی‌کند، ولنگاری آنها هم نوعی اعتراض است؛ اعتراض به جامعه و هنجارهای موجود آن. جوان‌های امروز با پوشش و آرایش‌شان اعتراض می‌کنند و اگر قرار است آنها را به مسیر درستی ببریم، راهش مقابله با انتخاب‌های آنها نیست، راه دیگری باید پیدا کرد.